

## بیانیه پیرامون اخراج از حزب

در کنگره مطرح شد که ما از حزب کمونیست اتحاد شوروی (CPSU) اخراج خواهیم شد. بنابراین وظیفه‌ی خود می‌دانیم تا بیانیه‌ی پیش رو را پیرامون موضوع مذکور به اطلاع کنگره برسانیم:

(۱) اخراج، ما را از حقوق حزبی بی بهره می‌کند، اما نمی‌تواند ما را از وظایفی که هر یک از ما در پیوستن به صفوف حزب بر عهده گرفته بود، رها کند. ما، همچون گذشته، به برنامه‌ی حزبمان، به سنت های آن و به پرچم آن وفادار باقی خواهیم ماند. ما باید برای تقویت حزب کمونیست و تأثیرگذاری آن بر روی طبقه‌ی کارگر کار کنیم.

(۲) ما اعلام کردیم و اعلام می‌کنیم که مطیع تصمیمات کنگره‌ی پانزدهم پیرامون انحلال فراکسیونمان هستیم. ما خود را ملزم کرده ایم که در چارچوب اساسنامه‌ی حزب، از دیدگاه هایمان دفاع نماییم. ما تعهد کردیم، و اکنون نیز خود را متعهد می‌دانیم، که منتهای تلاش خود را جهت حفظ وحدت حزبمان، حزبی که در رأس یک دولت کارگری قرار دارد، بکنیم. ما قاطعانه تصمیم به ایجاد یک حزب دوم را، که به ما نسبت داده می‌شود، به عنوان تصمیمی مخالف با دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا و آموزه های لنین رد می‌نماییم. اخراج از حزب، نه عقاید ما را تغییر خواهد داد و نه برخورد ما با مسأله‌ی وحدت در حزب کمونیست اتحاد شوروی را.

(۳) ما مؤکداً هرگونه ادعایی در مورد وجود گرایش‌ها ضد شوروی در مبارزه‌ی خود را تکذیب می‌کنیم. همه‌ی ما، به شکلی، در ساختن دولت شوروی، نخستین کشور زحمتکشان، سهم هستیم. هدف ما تقویت دولت شوروی بر اساس اتحاد کارگران و دهقانان است. مسیر ما، مسیر اصلاح درون-حزبی است. ما برای پیروزی دیدگاه هایمان، تنها در این مسیر کوشش خواهیم کرد.

(۴) در کنگره، به عقاید ما برچسب عقاید منشویکی خورده است. منشویزم در ضدیت با انقلاب اکتبر بوده و هست و قهرمان دموکراسی بورژوایی که شکلی از تسط سرمایه داری است، می‌باشد.

ما در مبارزه برای سرنگونی سرمایه داری و استقرار دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا شرکت داریم. معنای مبارزه‌ی درون-حزبی ما بر بستر دفاع از دیکتاتوری سوسیالیستی در مقابل اشتباهاتی قرار دارد که به دنبال آن ممکن است دموکراسی بورژوایی، پس از چند دوره‌ی سیاسی، باز گردد.

(۵) ما صفت "تروتسکیستی" اپوزیسیون را، که ریشه در تلاش‌های ساختگی و عامدانه برای مرتبط کردن مشکلات عظیم دوره‌ی ما با اختلافات پیش از انقلاب دارد- اختلافاتی که مدت‌هاست از میان رفته و بسیاری از ما ارتباطی با آن نداشته‌ایم- انکار می‌کنیم. ما تماماً و به طور کامل بر پایه‌ی بنیان‌های بلشویزم می‌ایستیم.

(۶) ما به خاطر عقایدمان اخراج می‌شویم. عقایدی که در پلاتفرم و تزه‌های ما جمع‌بندی شده است. ما این عقاید را بلشویکی-لنینی می‌دانیم. ما نمی‌توانیم آن‌ها را انکار کنیم چرا که سیر حوادث، صحت آن‌ها را تأیید می‌کند.

(۷) تاکنون بیش از یک هزار نفر از کمونیست‌های اپوزیسیون از حزب اخراج گشته‌اند. اخراج رهبران اپوزیسیون از سوی کنگره نشانه‌ی اخراج چند هزار نفر دیگر خواهد بود. این اخراج‌ها -چه کنگره بخواد و چه نخواهد- به معنای چرخش سیاست حزب به سمت راست، و تقویت طبقات و گروه‌هایی در کشور خواهد بود که دشمن پرولتاریا و محرک تجاوزات خارجی از سوی امپریالیزم هستند.

محدود کردن کولاک، مبارزه با بوروکراسی، و معرفی روزگار هفت ساعته، مواردی هستند که با حذف همزمان عناصری از حزب که همواره طی چند سال گذشته در تلاش برای کاهش قدرت رو به رشد کولاک بوده، مصرانه علیه تحریفات بوروکراسی صحبت کرده و مسأله‌ی بهبود سریع شرایط کارگران را در دستور روز قرار داده اند، امکان ناپذیر است.

تدارک برای دفاع از دستاوردهای انقلاب اکتبر در مقابل یورش امپریالیزم با بیرون کردن همزمان آن دسته از عناصر حزب که بورژوازی جهانی را به عنوان دشمنان آشتی ناپذیر خود به حساب می‌آورد، امکان‌پذیر نیست.

(۸) نظام حزب، که نتیجه‌ی آن اخراج ماست، ناگزیر به تجزیه‌ی جدید حزب و اخراج‌های جدیدتر منجر خواهد شد. تنها نظام دموکراسی درون-حزبی است که می‌تواند جزئیات یک خط صحیح حزبی را تضمین و پیوندهای آن با طبقه‌ی کارگر را تحکیم کند.

(۹) اخراج طرفداران اپوزیسیون به انضمام سایر ابزارهای سرکوب علیه آن‌ها، با هدف ریشه کن نمودن عقاید اپوزیسیون در حزب صورت می‌گیرد. اما تا زمانی که این عقاید، منافع تاریخی پرولتاریا و وظایف اساسی حزب را

به درستی منعکس می‌کند، حتی با وجود سرکوب هم به حیات خود در حزب ادامه خواهد داد و طرفداران جدیدی به دست خواهد آورد.

بلشویک‌های کارگری، قلب حزب هستند. در دوره‌ی افزایش خطر، صدای آن‌های برای سرنوشت حزب و انقلاب تعیین کننده خواهد بود.

(۱۰) ما، در حالی که از حزب اخراج می‌شویم، می‌باید برای بازگشت خود به صفوف حزب کار کنیم. ما معتقدیم که این اخراج موقتی خواهد بود، چرا که توسعه‌ی بیش‌تر مبارزه‌ی طبقاتی و فعالیت‌های ما، هر عضو حزب را به غیرمنصفانه بودن اتهاماتی که اخراج ما را به بار آورد، متقاعد خواهد کرد.

(۱۱) مبارزه در درون صفوف حزب کمونیست اتحاد شوروی، نتوانست صفوف کمینترن را بی‌تأثیر بگذارد. اپوزیسیون، پیروان و سمپات‌های خود را، که درست مانند ما تحت سرکوب قرار دارند، تقریباً در تمامی احزاب برادر کمونیستی دارد. ما شک داریم که طرفداران اپوزیسیون اخراج شده از سایر احزاب، راه ایجاد یک حزب دیگر، به عبارتی راه تجزیه‌ی کمینترن را در پیش گیرند. تصحیح اشتباهات و درست کردن خط‌رهبان می‌تواند و باید در چارچوب وحدت صورت گیرد. توضیح و روشن‌سازی صبورانه‌ی دیدگاه‌های ما بر اساس حوادث، شرکت فعال در مبارزه‌ی احزاب کمونیست علیه بورژوازی و سوسیال‌دموکرات‌ها، قادر خواهد بود تا در زمان خیزش جدید موج جنبش کارگری، وحدت را در کمینترن، که بنیان محکم آن به دست لنین گذارده شده، بازگرداند.

(۱۲) ما، ضمن وفاداری به آموزه‌های مارکس و لنین، ارتباط پویا با حزب کمونیست اتحاد شوروی و کمینترن، به اخراج خود از سوی حزب کمونیست اتحاد شوروی با تصمیم قاطعانه‌ی خود برای مبارزه‌ی بیوقفه زیر پرچم

بلشویکی برای پیروزی انقلاب جهانی، برای وحدت احزاب کمونیست بمثابة پیشتازان پرولتاریا، برای دفاع از دستاوردهای انقلاب اکتبر، برای کمونیزم، برای حزب کمونیست اتحاد شوروی و کمینترن، پاسخ می‌دهیم.

ای. اسمیلگا، ن. مورالف، ک. راکفسکی، ک. رادک.

۱۸ دسامبر ۱۹۲۷

نخستین انتشار:

گزارش کنگره‌ی پانزدهم حزب، حزب کمونیست بریتانیا، ۱۹۲۸

باز انتشار: کریستین راکفسکی، منتخب نوشته‌هایی پیرامون اپوزیسیون در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ۱۹۲۳-۳۰ (ویراستار: گاس فاگان)، الیسن و بازبی، لندن و نیویورک، ۱۹۸۰.

ترجمه: آرمان پویان

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: [yasharazarri@gmail.com](mailto:yasharazarri@gmail.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری